

## قلعه خیسار

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

یکی از قلاع های بسیار معروف غور «قلعه خیسار» است که ادبای غور آنرا بنام «خونسار» و «قیصار» و عوام به اسم «قلعه دختر» یاد میکنند. مؤرخان گذشته از بیهقی گرفته تا قاضی منهاج السراج جوزجانی و سیفی هروی هر کدام در عصر خود کلمه «خیسار» را در مؤلفات خود ذکر کرده اند ولی ملتفت باید بود که در تذکرات اولیه «خیسار» بیشتر بصورت اسم محل ذکر شده و بعد از هجوم مغل قلعه خیسار در اثر بلندی و استحکام باره و بروج خود مشهور شده و در عصر ملوک کرت و بعدتر شهرت آن قلعه تاریخی با ویرانی ها و مرمت کاری های پی در پی از بین نرفته است.

چون در طی قرن های ۴، ۵ و ۶ هجری دو شهر غزنی و هرات شهرت بیشتر پیدا کرد، در بیشتر موارد خیسار را سر راه این دو شهر ذکر کرده اند و فاصله آنرا بیشتر به تناسب هرات تخمین کرده اند و نوشته اند که خیسار به فاصله دو روزه راه هرات واقع شده است. ابوالفضل بیهقی موقعی کلمه خیسار را ذکر میکند که از لشکر کشی های مسعود غزنوی از هرات به غور سخن میراند. متن بیهقی چنین است:

"و در سنه احدى عشر و اربعمائه (۴۱۱ هجری قمری) امیر به هرات رفت و قصد غور کرد بدین سال روز دوشنبه دهم جمادی الاول از هرات برفت با سوار و پیاده بسیار و پنج پیل سبک تر و منزل نخستین «باشان» بود و دیگر به «خیسار» ..."

هكذا بیهقی در جای دیگر مینگارد که سامانیان هر چه کوشیدند تا «خیسار» و «تولک» در غور پیش رفته نتوانستند و مسعود چنین کارهای بزرگ را انجام داد و از فحوای کلام او چنین استنباط میشود که مسعود تا خیسار پیش رفته است.

جای حیرت است که قاضی منهاج السراج مولف طبقات ناصری که غور و غورشاهان را بخوبی میشناسد و سالها در فیروز کوه گذرانیده از قلعه خیسار ذکری نمیکند زیرا حین شرح کوه های بلند غور یا به اسطلاح خودش «راسیات

جبال عالم» میگوید که پنجم کوه «فج خیسه» است که طول و امتداد رفعت او از حد درک فهم و ذهن بیرون است.

جنرال فریه فرانسوی هم در حدود ۱۱۳ سال قبل حین مسافرتش در غور از قلعه خیسه ذکر می‌کند و می‌گوید که بقایای ارگ کوچک آن که از خشت پخته ساخته شده بود، بالای تپه کوچکی معلوم میشود ولی تعریف او نه به تعریف برخی مأخذ و نه به آنچه که خود در قلعه خیسه مشاهده کرده ام مطابقت ندارد زیرا قلعه خیسه روی تپه نبوده و یکی از صفات متمیزه این قلعه رفعت و بلندی آن روی کوه بلندی است که اسباب استعجاب چنگیزیان شده بود. بنا برین گمان میکنم جنرال موصوف کدام قلعه دیگری را بجای بقایای قلعه خیسه تعریف کرده است.

سیفی هروی در تاریخ معروف خود از قلعه خیسه و موقعیت جغرافیائی و آب و هوای آن علاقه و اهمیت و استحکام آن مفصل تر بحث میکند و می‌گوید:

"قلعه محروسه خیسه که به حصانت و اعتدال هوای روح پرور و عذوبت آب خوشگوار و طیب خاک مشک آمیز و کثرت اشجار مثمره و الوان فواکه و خضارت ریاحین معطره و نزهت بساطین مثال او در شرق و غرب گوش هیچ و اصف و واقف نشنوده و شبیه او در بر و بحر چشم هیچ سیاح ندیده:

نی گوش دل شنیده شبیهش ز هیچ کس  
نی چشم عقل دیده نظیرش به هیچ جای

چنین شنیدم از ثقات هرات که چون چنگیزخان قلعه های جبال و حصارهای احصار خراسان را فتح کرد چون کار به محاصره قلعه خیسه رسید عزیمت آن کرد که از انبای خود یکی را با سپاهی به ولایت غور فرستد تا قلعه محروسه خیسه را بگیرد. رؤس سپاه او عرضه داشتند که در کتب پیشینان چنین خوانده ایم و از پیران جهان دیده چنین شنوده که هیچ پادشاه و شهریار و شاهنشاه را بر قلعه محروسه خیسه دست تصرف نبوده الا ملوک اسلام غور را چه آن قلعه در غایت محکمی و بلندیست قلل کوههای آهن نمای جوانب او بر بلندی تنندی ایوان کیوان است و شرف قصرهای او بر فرق فرقدان و سر سرطان و ذخایر آن تا ظهور نفخ حدود امکان سپری شدن نیست. هوای جان فرسای او از باد شمال عنبر بال خوشتر است و میاه کوثر جاه او از چشمه حیوان بهتر. لشکر به محاصره قلعه فرستادن و ولایت غور را خراب کردن از مصلحت بعید مینماید. چنگیزخان فرمود که نقاشان مانی دست که آن قلعه را دیده باشند و طول و عرض و بلندی و پستی او را مشاهده کرده حاضر گردانید تا هیاکل اماکن و حدود مواضع غور را با قلعه محروسه خیسه بر کاغذی بر کشند. چون نقش بندان ماهر و چهره کشایان حاذق به خامه قدرت و پرکار حکمت و اقلام بدایع و ارقام ضایع و رنگ آمیزی دل انگیز قلعه خیسه را بر کاغذی منقش کرده پیش چنگیزخان آوردند. چنگیز خان یک زمانی از سر تعجب و تفکر در آن صورت دلپذیر و نقش بی نظیر نگه

کرد و بر مداخل و مخارج و عقبات و هنبات جبال غور واقف گشت و صعوبت  
مناهیج و ضیق طرف اطراف و اکناف یمین و یسار و اوج و حسیض قلعه  
محروسه خیسه را بدید روی به امرای سپاه و مقربان درگاه کرد و گفت:

مثال اینجا و این مکان سدید کس ندیده است و کس نخواهد دید"

بدین ترتیب قراریکه سیفی هروی مینویسد قلعه خیسه یکی از مستحکمترین قلاع  
غور بود که حتی چنگیز خان هم از ارتفاع و استحکام آن متحیر و متعجب شده  
بود.

باری قراریکه خود بقایای این قلعه معروف را دیده ام گفته میتوانم که از نظر  
موقعیت واقعاً جای بلند روی قله کوه قرار داشت و راه رفت و آمد در آنجا خالی  
از اشکال زیاد نبود. قلعه خیسه به فاصله ۳۳ کیلومتری «پرچمن» و پنجاه  
کیلومتری جنوب غرب «تیوره» مرکز امروزی غور واقع شده و در گرد و نواح  
آن بنام «ده بالا» و «ده پایان» دو دهکده کوچک دیده میشود و بقایای برج ها و  
برخی خانه ها هنوز باقی مانده است. / ۲۹ حمل ۱۳۳۷ /